■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۱۲ ■ شنبه ■ ۲ مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۶ | اذان مغرب ۱۸/۱۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۵ | اذان صبح فردا ۴/۳۱ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۴

سخن روز

امام حسن مجتبی علیه‌السلام:
صبر و شکیبایی زینت شخص، وفای به عهد علامت جوانمردی و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی‌خردی است.
الامام حسن ج۷ ص۱۹۸

جریان دفاع مقدس اتفاق بزرگی در ایران اسلامی است

علیرضا قزوه: به طور حتم هفته دفاع مقدس برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و جزو مناسبت‌های مهم ملی - میهنی ما است. مقوله دفاع مقدس برای ما یک امر حیاتی و مهم است که ما حتی یک متر از خاک میهن عزیزمان را بواسطه رشادت‌های سربازان سرافراز این میهن در برابر ۴۴ کشور از دست ندادیم و به تنهایی توانستیم دشمن را به برکت خون پاک شهدای عزیز، ایثار جانبازان و شجاعت رزمندگان محکوم کنیم. جریان دفاع مقدس اتفاق بزرگی در ایران اسلامی است که ما به‌عنوان اهالی سرود، شعر و موسیقی در رسانه ملی وظیفه کوچکی داریم تا کارهایی را در این حوزه انجام دهیم؛ کارهایی که یکی از آنها همین کنسرت گرامیداشت ۸ سال دفاع مقدس توسط ارکستر سمفونیک سازمان صداوسیما به رهبری آرش امینی و خوانندگی امیرحسین سمیعی است که در باغ موزه دفاع مقدس پیش روی مخاطبان قرار گرفت. این پروژه در برگیرنده یک فعالیت مشترک بین دستگاه‌های مختلف فرهنگی است که نباید زحمت‌های بزرگواران این حوزه را بی‌پاسخ گذاشت.

بخشی از صحبت‌های مدیر دفتر موسیقی و شعر و سرود سازمان صداوسیما با مهر

مُلک وجود غرق دراندوه و در عزاست
آغاز صبح غربت زهرا و مرتضاست
قرآن عزا گرفته و عترت شده غریب
شهر مدینه را به جگر، داغ مصطفاست

غلامرضا سازگار شاعر و مداح

نـــگاره

رضا بدرالسماء

یادبود شهدای فاجعه منا
این اثر سال ۹۵ به رهبر انقلاب هدیه داده شد

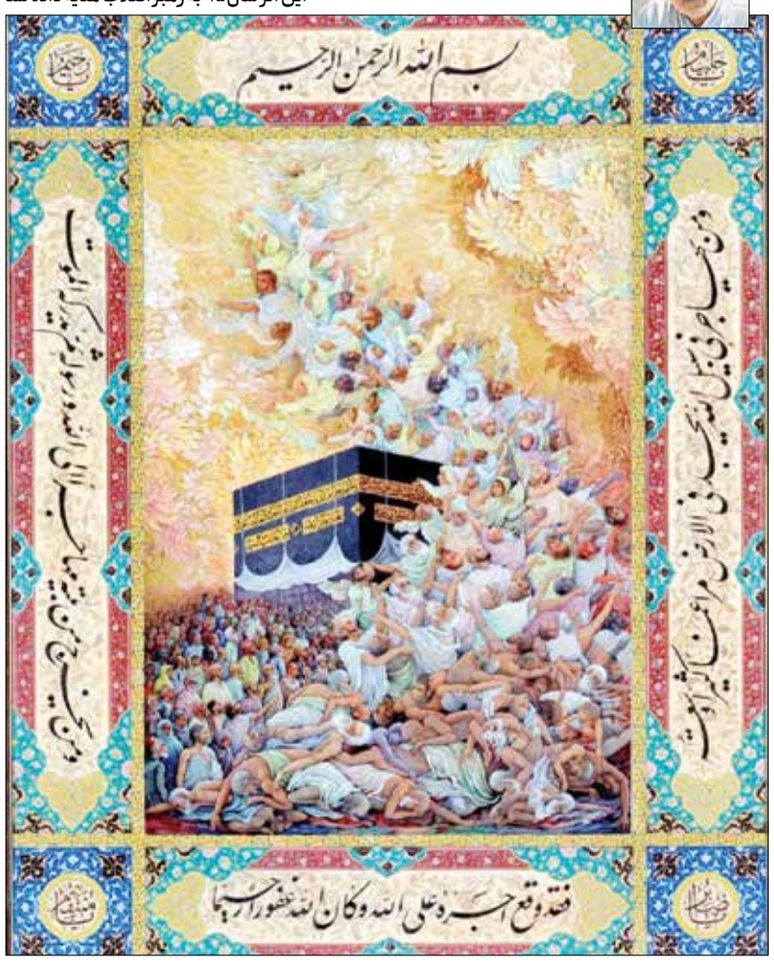

ضرورت تمسک به فرهنگ دفاع مقدس در سینما

یادداشت

حسین سلطان محمدی
منتقد سینما و تلویزیون

هر سال که هفته گرامیداشت دفاع مقدس فرا می‌رسد، نوعی حسرت فاصله گرفتن از آن دوران، نوعی غبطه خوردن به درک‌کنندگان آن دوران و نوعی اشتیاق برای درک آن دوران، وجودمان را فرا می‌گیرد. دورانی که اشتیاق برای حفظ انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، دفاع ذاتی از انسان مظلوم، شور و شعور مقابله با متجاوزان، در آمیزشی از دین و ملیت، سراسر وجودمان را فرا گرفته بود و با گذر از همه تعلقات دنیوی، اعم از جان و مال و خانواده و پست و مقام و درس و...، به حیطه گسترده فعالیت‌های دفاعی، از خط مقدم در نقاط غربی تا دورترین نقاط در مرز شرقی وارد شده بودیم، فارغ از دغدغه‌های سن و قواعد اداری تقسیم‌بندی نظامی، چون موجودیت‌مان و هویت ملی و مذهبی‌مان، مورد تهاجم همه دنیای مادی آن روز قرار گرفته بود، از خوارج گونه‌های مسلمان‌نما تا دنیای گرفتار در تقسیم‌بندی‌های سیاسی آن روزگار و همه می‌کوشیدند ما را به پذیرش ذلت و سرکوب، وادار سازند. اما آنچه با اشتیاق و در انقلاب‌مان پذیرفته بودیم و با بله به نظامی جدید در قاموس سیاسی جهان آن روز، درصدد استقرار آن بودیم، نمی‌گذاشت که ما گامی عقب بگذاریم و شد آنچه شد و جبهه آغشته با کفر و مادیت، بالاخره، عقب نشست و ما از آنچه خواسته بودیم، با الهام از آموزه‌های دینی‌مان، کوتاه نیامدیم. اما در گذر این سال‌ها از آن دوران ماندگار، چقدر به ترویج فرهنگ جوشان الهی جاری در گوشت و پوست مردم‌مان، پرداخته‌ایم و سهم عناصر تولیدکننده نوستالژی و سهم زنده نگهداشتن آن فرهنگ، چقدر ادا شده است؟ با نگاه به وضعیت فعلی، می‌توانیم درک کنیم که آن اندیشه و فرهنگ ممدوح برشمرده شده یا مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است و سینمای پرمدعای ما، چقدر در وضعیت فعلی، سهم ایجابی یا سلبی داشته و دارد.

در آن دوران، با بضاعت مادی و معنوی موجود در عرصه سینمای‌مان، آثاری به تولید و نمایش کشیده شد که طبیعی بود بیشتر بر حس برانگیختن برای دفاع، متمرکز باشد. اما بعد از آن دوران و با هر چه فاصله گرفتن از آن، به جای درک مفاهیم اندیشه‌ای و فرهنگی و مبنایی و زمینه‌های بروز جنگ و ماهیت دفاعی ما و آنچه از تلاش برای حفظ انسجام داخلی و دفاع یکپارچه انجام شد، شاهد آثاری بودیم که ابتدا بر ظواهر دفاع متمرکز شد و سپس به ادعای نقد و نقض اندیشه آن زمان و نحوه عملکرد پرداخته شد و حتی اقدامات انجام شده، در ظرف محدود نویسندگان و سازندگان آثار، تحلیل و با سوگیری ناقص، به ذهنیت مخالفت با ماهیت جنگ و نه دفاع، پرداخته شد. اما هر آنچه بود و هر آنچه تاکنون شده است، در گذر سال‌ها از آن دوران، باید تنقیح و تحلیل شده و با سرمایه‌گذاری دقیق و منطقی و به دور از سلیقه‌های فردی و لحظه‌ای، پردازش بخش‌های متنوع فعالیت و اقدامات آن دوران، برای ساخت آثاری که با دیدنش، درک و شعوری بر موجودیت فکری مردمان حال حاضر جامعه‌مان، افزوده شود و در جان‌شان بنشیند، به کار گرفته شود. قدرت موجود در سینما و تصویر برای ماندگاری اندیشه و واکاوی علل بروز آن رخدادها، با دقت به کار آید و از توجه به تک دانه‌های تسبیح‌گونه عناصر رویدادها، اعم از شخصیت‌های آن زمان و بازنمایی رویدادهای سخت آن دوران، به این برسد که در سرانجام روایت و در نهان آن، لختی اندیشه و تفکر نسبت به آنچه رخ داد، توزیع و در جان‌مان بنشیند و اصطلاحاً، به نخ تسبیحی دست پیدا کنیم که این دانه‌ها را در کنار و در ادامه هم برای رسیدن به ساختاری منسجم که کارکرد این تسبیح را نشان دهد، قرار داده است.

نکته در فرهنگ برانگیزنده دفاع در آن دوران و عناصر آن فرهنگ است. ما حتی نیازمند اتصال دوران دفاع مقدس با دنیای معاصرمان هستیم و باید بدانیم که همه آنچه برای مقابله با ماهیت نظام و انسجام ملت ما انجام می‌شود و ادامه دار خواهد بود، از جهت پایبندی ما به آرمان و اصولی است که در جهان مادی ما، نوظهور بوده و بعد از چهل و خرده‌ای سال، هنوز پذیرفته نمی‌شود و بشدت برای منکوب کردن این نظام و فرهنگ درون آن، در دنیای مادی تلاش می‌شود و ما تنها حربه‌مان، تمسک و پایبندی بر همان اندیشه‌ای است که زمانی طی هشت سال، ما را استوار و محکم نگاه داشت و اکنون نیز راهگشای ما است و خواهد بود. اتصال آن دوران به دوران معاصر آحاد جامعه و نسل‌های جدید، یکی از مهم‌ترین ابعادی است که باید در آثار تصویری صورت گیرد. سینما با ویژگی‌هایش، می‌تواند در این مسیر سهم خود را ادا کند و با پرهیز از افراط و تفریط در پردازش موضوعات و عناصر دوران دفاع مقدس، هم از به فراموشی سپردن آن زمان جلوگیری کند و هم، اندیشه‌ها را به فرهنگ جاری در آن دوران متوجه و اندیشه‌مند سازد، که همین، ما را زنده و جاری در سپهر سیاسی و فرهنگی دنیای امروز، نگاه داشته است.

تعطیلی سالن‌های سینما و تئاتر به علت ایام سوگواری

سینماهای سراسر کشور به دلیل ایام سوگواری رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا(ع)، از ساعت ۱۷ روز شنبه دوم مهرماه تا پایان سه‌شنبه پنجم مهرماه تعطیل هستند. سینماها از صبح چهارشنبه ششم مهرماه فعالیت خود را آغاز می‌کنند. بازگشایی سینماها از صبح چهارشنبه، با نمایش سه فیلم «ملاقات خصوصی» امید شمس، «گیج‌گاه» عادل تبریزی و «خط استوا» اصغر نعیمی همراه خواهد بود. همچنین طبق گزارش ایرنا، به مناسبت همین ایام روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر نیز با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد تمامی آثار نمایشی که در تالارهای مختلف مجموعه تئاتر شهر روی صحنه هستند از روز پنجشنبه ۳۱ شهریور تا پایان سه‌شنبه پنجم مهرماه اجرایی ندارند.

مکتب محوری شیوه تبلیغ پیامبر اسلام

آیین

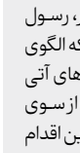

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

رحلت پیامبرگرامی اسلام، حضرت محمد(ص) اتفاقی معمولی همچون سایر وقایع نبود و با فقدان آن حضرت مرحله تازه‌ای در تاریخ اسلام و سرنوشت امت رقم خورد؛ مرحله‌ای که ابعاد و پیامدهای آن برای هرکسی قابل پیش‌بینی نبود. چرا که حتی واقع‌گراترین افراد ناظر بر صحنه، قادر به پیش‌بینی شرایط و پیچیدگی‌های به وقوع پیوسته پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) نبودند. از این رو اهتمام حضرت محمد(ص) با ویژگی خاتم انبیا الهی، همواره در جهت ترویج اسلام با تأکید بر اتکا بر ارزش‌ها و معیارهای مکتب به جای شخصیت، شخص رسول، ویژگی‌ها، فضایل و کرامت‌های وی استوار بوده است. بر این پایه برخلاف مسیحیت که آیینی شکل گرفته پیرامون شخصیت، معجزات و مکرمت‌های عیسی مسیح(ع) بوده و به همین دلیل مسیحیت نام گرفته، در رسالت محمدی(ص) شاخص‌ها و ارجمندی‌های مکتب مورد توجه و ترویج قرار گرفته است. این مهم که سبب ماندگاری و آسیب کمتر اسلام در طول تاریخ است، حکایت از نگرانی آن حضرت نسبت به آینده اسلام و امت اسلامی دارد. براساس این تدبیر و تأکید بر اصول و بنیان‌های مکتب، آیین اسلام آهنگ ابدیت یافته و در مقابل تحریفات از مصونیت بیشتری برخوردار است.

رسول گرامی اسلام(ص) به دفعات و با شیوه‌های مختلف در گفتار و رفتار ثقل رسالت خویش را آموزه‌های دین دانسته و از خود با عنوان بشری زمینی، همانند سایر افراد بشر یاد کرده است.

حضرت محمد(ص) رسالت خویش را به نحو کامل به پایان برد و در راستای ترویج سهل‌تر مکتب در بستر باور آیندگان تدابیر متنوعی را به کار بست. از جمله مهم‌ترین آن‌ها ساماندهی استمرار شریعت از طریق مجاری اصیل آن با بنیان نهادن نهاد امامت و معرفی مصداق آن -علی(ع)- در گردهمایی غدیر خم می‌باشد. در واقعه غدیر، رسول خاتم(ص) برای مدلل کردن ضرورت امامت و مصداق آن که الگوی تمام نمای آیین الهی اسلام بود، خبر از درگذشت خود در روزهای آتی داده و لزوم استمرار مکتب و مصون ماندن از تحریف و انحراف از سوی نگهبانان حریم دین، پس از خود را یادآور شد. آن حضرت با این اقدام زمینه درخشندگی ایمان اسلامی را ایجاد و امکان برقراری صلح و امنیت جهانی با ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی(ع) را فراهم نمود.

پیامبر اسلام با آینده‌نگری در واپسین لحظات عمر، در حالی که به سینه علی (ع) تکیه داشت، خطاب به دخترش، حضرت فاطمه(س) که با چشمی گریان با خود زمزمه می‌کرد: «آن چهره نورانی که به احترامش از ابر درخواست باران می‌شد، همان که پناه و مأمن یتیمان و بیوه زنان بود اکنون در آستانه رحلت است...» فرمود: «دخترکم این گونه بگو، محمد یکی از فرستادگان خدا بود که پیش از او نیز پیامبرانی آمدند، آیا اگر او از دنیا برود... گروندگان به اسلام به آیین پیشینیان خود باز می‌گردند!؟ هر کس مرتکب این کار شود کوچک‌ترین زیانی به خدا نمی‌رساند و خداوند سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.» (آل عمران ۱۴۴) انگیزه پیامبر از یادآوری این کلام وحی تأکید بر «مکتب محوری» به جای «شخصیت‌محوری» و در راستای ترویج آیین اسلام می‌باشد.

رسول گرامی اسلام(ص) که در افق آینده حوادث ناگواری را بعد از خود پیش‌بینی می‌کرد، در آخرین ساعات عمر، با حساسیتی آشکار مسلمانان را به هشیاری دعوت و آنان را از غفلت نسبت به میراث نبوت برحذر می‌داشت. اما مسلمانان با بی مسئولیتی نسبت به نگرانی‌های پیامبر خاتم(ص) و میراث گرانقدرش کوتاهی کرده و زمینه بازگشت ارزش‌های جاهلی را فراهم و برخورداری امت از امامت رشد دهنده را به خلافت تنزل دادند. در نتیجه شکافی که پس از پیامبر خدا میان امت اسلامی ایجاد شد، کار به جایی رسید که معاویه در مقابله با نوه و میراث‌دار پیامبر اسلام، حضرت امام حسن مجتبی(ع) به دلیل سست عنصری مسلمانان به خواسته دنیایی خود یعنی خلافت و حکومت دست یافته و در پایان عمر توانست شیوه خلافت و حاکمیت مورثی را در اقلیم مسلمانان متداول سازد. او که امام حسن مجتبی(ع) را بزرگترین مانع برای گرفتن بیعت از مردم برای یزید می‌دانست با کمک دشمن خانگی سبب شهادت امام حسن مجتبی(ع) و به وجود آمدن فاجعه بزرگی در تاریخ اسلام گردید. ابن خلکان، از استوانه‌های علمی اهل سنت در این‌باره می‌نویسد: هنگامی که خبر (شهادت) حسن(ع) به معاویه رسید، صدای تکبیرش از کاخ خضرا شنیده شد. پس اهل شام نیز به تبعیت از او تکبیر گفتند. فاخته همسر معاویه به او گفت: چشمت روشن ای امیرالمؤمنین، چه باعث شد تا تکبیر بگویی؟ معاویه گفت: حسن از دنیا رفت. فاخته گفت: آیا به خاطر فوت پسر فاطمه تکبیر می‌گویی؟ معاویه گفت: به خدا سوگند به خاطر شادمانی از مرگ او تکبیر نگفتم، اما خیالم راحت شد. در آن موقع ابن عباس در شام بود و بر معاویه وارد شد. معاویه گفت: ای ابن عباس، آیا می‌دانی برای خانواده‌ات چه اتفاقی افتاده است؟ ابن عباس گفت: نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است اما تو را شاد و خندان می‌بینم و خبر تکبیر گفتن و سجده تو به من رسیده است. معاویه گفت: حسن از دنیا رفت. ابن عباس گفت: خدا ابومحمد (کنیه امام حسن) را رحمت کند. این جمله را سه بار گفت. سوگند به خدا که ای معاویه، بدن او قبر تو را نخواهد بست (پر نخواهد کرد) و کم شدن عمر او، بر عمر تو نخواهد افزود، اگر ما به امام حسن(ع) ملحق شویم، به پیشوای پرهیزکاران و انگشتر پیامبران ملحق شده‌ایم و خداوند این دوری را جبران و این اندوه را تسکین خواهد داد و پس از آن خداوند برای ما جانشین انتخاب خواهد کرد.

شباهت زمان پیامبر(ص) با وضعیت امروز جهان اسلام

یادداشت

دکتر محسن ربانی
پژوهشگر حوزه دین و رسانه

همه روایات تاریخی از اوضاع سرزمین حجاز پیش از بعثت رسول خدا(ص) این مسأله را تأیید می‌کنند که خواندن و نوشتن نه تنها امر رایجی در میان اعراب نبود؛ در مواردی عیب شمرده می‌شد و کسی که نوشتن بلد بود، سعی می‌کرد آن را از دیگران پنهان کند. «الشعر والشعراء، ابن قتیبه، ص۲۳۴» گفته می‌شود در زمان بعثت پیامبر اکرم(ص) در کل قبیله بزرگ قریش تنها هفده تن خواندن بلد بودند. «فتوح‌البلدان، ص۴۵۷» این میزان اندک از افراد باسواد در قبیله‌ای مثل قریش، که به‌دلیل شغل رایج‌شان یعنی بازرگانی هم به لحاظ نیاز به انجام امور مالی هم به لحاظ مراودات تجاری با قبایل و سرزمین‌های مختلف، نیاز به سواد خواندن و نوشتن داشتند، وضعیت سایر قبایل را نشان می‌دهد. گفته می‌شود حضرت رسول(ص) نامه‌ای به قبیله‌ای نوشت و در آن قبیله حتی یک نفر هم نبود که بتواند نامه را بخواند. «الصحیح من سیره النبی الاعظم، جلد ۱، صفحه ۴۹.»

اما در همان زمان، یهودیان ساکن در حجاز و سرزمین‌های مجاور، توجه ویژه‌ای به دانش و اهتمام خاصی به آموزش خواندن و نوشتن داشتند. آنان علاوه‌بر اینکه به زبان خودشان و منابع مسلط بودند، زبان عربی را هم می‌شناختند، روایات تاریخی تصریح دارند که یهودیان مدینه به عربی می‌نوشتند و پیش از اسلام به کودکان مدینه نوشتن به عربی را می‌آموختند.

«المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، ج ۱۵، ص ۱۱۴» در چنین شرایطی بعثت پیامبر و نزول معجزه مکتوب در جامعه شفاهی حجاز، یک ساختارشکنی آشکار بود؛ علاوه‌بر این، سیره رسول خدا(ص) حاکی از آن است که ایشان در موارد متعددی تلاش داشتند مردم را خواندن بیاموزند و به پدران سفارش می‌کردند که خواندن و نوشتن را به بچه‌هایشان بیاموزند و می‌فرمودند: حق فرزند بر پدر، آن است که به او خواندن و نوشتن بیاموزد. «وسائل الشیعه، ج۲۱، ص۴۸۱» و آن هنگام که وارد مدینه شدند، مردی را مأمور کردند که به مردم خواندن و نوشتن بیاموزد. «الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج۱، ص۳۴۴.» حتی اسیران جنگی اگر می‌توانستند به ۱۰ نفر از کودکان مسلمان خواندن و نوشتن بیاموزند، آزاد می‌شدند؛ این در حالی بود که سایر اسیران برای آزادی خود، ۴ هزار درهم پرداخته بودند. «الطبقات‌الکبری، هاشمی بصری، ج ۲، ص ۱۶؛ السیره الحلبیه، حلبی شافعی، ج ۲، ص ۲۶۴، باب (غزوه بدرالکبری).»

تلاش رسول گرامی اسلام(ص) در ارتقای فرهنگ اعراب و دانش و بینش عقلانی، تحولی عظیم در فرهنگ جامعه مسلمانان ایجاد کرد که ثمره‌اش در قرن‌های بعد در تمدن درخشان قرن چهارم هجری در سراسر امپراطوری عظیم اسلامی نُمود و ظهور یافت. اگر بخواهیم وضعیت امروز جهان اسلام را با وضعیت زمان بعثت پیامبر بسنجیم، می‌توانیم شباهتی بسیار عجیب میان این دو دوره بیابیم. امروزه فرهنگ حاکم بر جهان مبتنی بر فرهنگ رسانه‌ای است و در شرایط کنونی جهان، فرهنگ حاکم، فرهنگ رسانه‌هاست. دانش به‌کارگیری رسانه‌ها و تسلط بر افکار، در انحصار یهودیان است و مسلمانان تنها مصرف‌کنندگان منفعل محصولات رسانه‌ای تولید شده‌اند. ما به‌عنوان پیروان پیامبر(ص) چه میزان به این سیره و روش ایشان در ارتقای سطح دانش مردم و بخصوص کودکان‌مان توجه داریم؟ در زمانه تسلط رسانه‌ها چه میزان تلاش کرده‌ایم که کودکان‌مان را با فرهنگ رسانه‌ای امروز آشنا سازیم؟ چقدر اهتمام داشته‌ایم که سواد رسانه‌ای را به‌عنوان یکی از دانش‌های ضروری زمانه به آنان بیاموزیم؟ اگر چنین اتفاقی رقم می‌خورد، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از تأثیرپذیری از فرهنگ‌های مهاجم به وجود نمی‌آمد. اما مواجهه انتقادی با رسانه تنها یک سوی قضیه است و سواد رسانه‌ای بخش مهم‌تری دارد و آن بهره‌گیری از رسانه برای انتقال پیام‌هاست. در این بخش، که عمیق‌تر و ضروری‌تر است، اقدامات بسیار کمتری صورت گرفته است. ما هنوز در بخش اول که آمادگی برای مواجهه سلبی فعالانه در مقابل محصولات رسانه‌ای است، برای کودکان‌مان کار درخوری نکرده‌ایم، چه برسد به مواجهه ایجابی فعالانه که نیاز ضروری کنونی ما است. به نظر می‌رسد، توجه به سواد رسانه‌ای با لحاظِ این دو جنبه، ضرورتی انکارناپذیر برای سامان دادن به وضعیت فرهنگی جامعه ما است و اگر چنین اقدامی رخ ندهد، گسترش جاهلیت مدرن رسانه‌ای، فرهنگ تقلید، پیروی چشم و گوش بسته و پذیرش بی‌تأمل و تدبر، روند رایج فرهنگ عمومی جامعه خواهد بود؛ روندی که هیچ شباهتی با جامعه آرمانی رسول گرامی اسلام(ص) نخواهد داشت.

عکس نوشت

«زنجیر و پیر» نام آیینی است که نخستین جمعه پاییز در یکی از شهرستان‌های اردبیل برگزار می‌شود؛ آیینی زنانه که بیشتر براساس اسطوره‌سازی و باور عامه شکل گرفته و اینک در معرض انقراض است. این مراسم بر مبنای اسطوره شکل گرفته است. اسطوره‌ای مبنی بر پناه بردن به طبیعت برای حفظ پاکی و معصومیت. آیین «زنجیر و پیر» که در معرض فراموشی قرار گرفته بود در سال ۱۴۰۰ در فهرست آثار میراث ناملموس به ثبت رسیده است. /ایسنا